

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۴

مرگ مزدور و دلک سوسیال امپریالیسم شوروی

اناهیتا یکی از شیدان ارشد شورای رهبری به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق" بود. وی در عرصه سیاست در سرسپردگی و وطنفروشی شهره آفاق بوده و در همسویی با دیگر هم مسلکانش قادر شدند زیر نام دفاع از زن، ضربات خصمانه ای را برپیکر زنان ستم کشیده افغانستان و اصل «حقوق زن» وارد نمایند. این خود فروختگان از همان آغازی که به مبارزه شروع نمودند نیروی جسمی و فکری خود را در اختیار شوروی آنزمان قرار داده و همه تلاشهای آنها به منظور مساعد ساختن زمینه های تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی به کشور ما افغانستان و به اسارت کشیدن خلق آن بود. فاجعه آفرینان ۷ ثور نه تنها عامل چارده سال حیات ننگین خود شان، بلکه عامل همه بدبختی های ۳۵ سال اخیر هستند. طوری که ما شاهد رویداد ها هستیم، حدود ۳۵ سال است که خلق افغانستان غرق در منجلاب هزاران بدبختی اسارتبار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می باشد..

طوری که ما شاهد اوضاع ناهنجار دوران حاکمیت حزب به اصطلاح "دموکراتیک خلق" بودیم اعضای درنده خوی این حزب از هیچ نوع ظلم و ستم، زجر و شکنجه، خشونت، سرکوب و تحقیرنه تنها خود دریغ نورزیدند بلکه در های کشور ما را به روی بادران خود سوسیال امپریالیسم شوروی نیز باز گذاشتند تا با تجاوز به کشور ما و با دادن شکنجه های قرون وسطائی هر زنده جانی را بکشند و نابود کنند. چنانچه سرزمین ما را به بزرگترین زندان و قتلگاه مبدل نمودند. ضرباتی مدهشی را که این درنده خویان بر تمام احاد جامعه و به خصوص در حق زنان وارد نمودند، به یقین که هرگز از خاطره ها محو نخواهد شد. زنان ستمکشیده ای که فرزندان و نورچشمان آنها قربانی امیال سوسیال فاشیست ها و حامیان شان گردیدند.

اناهیتا این دلک و حامی سر سپرده سوسیال امپریالیسم که به حیث زن به اصطلاح "پیشتاز" در جامعه افغانستان قلمداد می شد و ظاهراً به حمایت از حقوق و آزادی زنان قلمفرسائی می کرد، آیا زمانی که این همه ضربات خصمانه بر پیکر زنان افغان وارد می شد، کور بود و کر که ناله و فغان و اشک و دربه دریهای مادران و همسران و خواهران افغان را نمی دید و نمی شنید که جگر گوشه های آنها دسته دسته در خاک و خون می غلتند و در زندانها نیست و نابود می شوند؟ آیا آزادی و اعاده حقوق زن آنچه را که اناهیتا به حیث یک زن ادعا می کرد به مفهوم به اسارت کشیدن، سرکوب و توهین و تحقیر زنان افغان بود؟

اگر به تاریخ جهان نظر بیندازیم، دیده می شود که بودند و هستند زنانی که برده های جنگی فرهنگ مردسالارانه می باشند. زمانی که چنین برده های جنگی به قدرت می رسند و روی صحنه های سیاست تبارز می یابند، زمانی که در های قدرت طلبی را به سوی خود باز می یابند، با قدرت و توانی هر چه بیشتر، می پردازند به سیاست های اقتدار گرایانه در

امور داخلی کشورهای خودشان و با سیاست های تجاوزکارانه و جنایت طلبانه در امور خارجی با تجاوزات و مداخلات در امور کشورهای دیگر. این برده های جنگی فرهنگ مردسالار در غاتگری منابع ملی و جنایت در حق توده های به زنجیر کشیده آنها، گوی سبقت را از مرد ها می ربایند.

به طور فشرده می پردازم به سوابق سیاسی چند برده جنگی فرهنگ مردسالار:

مارگریت تچر صدراعظم سابق بریتانیا بود. این زن در زمان جنگ سرد صدراعظم بریتانیا شد که در جهان به خانم آهنین شهرت دارد. نامبرده تابع و هم پیمان سیاست های امپریالیسم امریکا بود و حمایت از بازار آزاد می کرد. سه بار از سوی محافظه کاران که اکثریت را در این حزب مرد ها تشکیل می دادند به مقام صدارت برگزیده شد. افکار این زن ضد بشری و با قلب سرد و بی رحم خواهان جنگ در جهان و قدرت طلبی بریتانیا بود. نظرات وی علیه اتحاد خلقهای دو آلمان بود. به حیث یک " جادوگر لیبرال های نو " نامیده می شد. اتحادیه های کارگری نفرت عمیقی نسبت به این زن داشتند. در کنار سرکوب خونین جنبش به حق خلق ایرلند و شرکت در تمام سیاست های جنایتکارانه ریگان این بنینگذار سیاست تهاجمی جدید امپریالیسم امریکا، یکی از مدهش ترین جنایات وی به خاک و خون کشیدن و تخریب بخش هائی از کشور ارجنتاین و تحکیم پایه های قدرت استعماری بریتانیا در جزایر «فاک مند» بود

گلدا مایر اولین زن در خاور میانه بود که رهبری کشور اسرائیل را در عصر جدید به عهده داشت. وی توسل به جنگ و خشونت می کرد چنانچه جنگ سال ۱۹۴۷ اسرائیل با اعراب نتیجه تصمیم گیری وی بود. اسرائیلی ها قادر شدند تحت رهبری وی اعراب را به عقب برانند. گلدا مایر مسئول خسارات جنگی و مقصر در قتل و قتل خلق های عرب است.

انگیلا مرکل بعد از مارگریت تچر دومین رئیس زن گروه جی ۷ می باشد. وی از اعماق جنگ سرد به صدراعظمی رسید. مرکل از تجاوز امریکا به عراق حمایت کرده و این تجاوز را غیر قابل اجتناب قلمداد نمود. دولت فاشیستی آلمان با حمایت از سیاست های تجاوز کارانه امپریالیسم امریکا و دیگر امپریالیستهای ناتوئی حدود سیزده سال است که حاکم بر سرنوشت خلق و کشور ما افغانستان هستند.

ارسال سلاح، تجهیزات جنگی و کمک های اقتصادی در بخشهای مورد نظر و توسل به تدابیر خشونت و قتل عام مردم به خواست و پیشنهاد مرکل و کابینه اش به تصویب می رسد. طوری که ما همه شاهد اوضاع جهان هستیم ، مرکل سیاست های خارجی امریکا را که مستعمره ساختن ممالک و تباهی و نابودی خلقهای جهان است ، دوش به دوش رئیس جمهور سابق اضلاع متحده امریکا جورج بوش پسر عملی نموده و ادامه آن سیاست ها را با رئیس جمهوری فعلی اوپاما که در جنایت سر بوش را خاریده ، به پیش می برد.

هیلری کلنتن به حیث وزیر خارجه اضلاع متحده امریکا در دوره اول ریاست جمهوری اوپاما بود. وی با تأیید از سیاست های خارجی ضد بشری جورج بوش پسر همکاری خود را در کابینه اوپاما آغاز نمود. با به قدرت رسیدن اوپاما و هیلری کلنتن، دامنه جنایات و قتل و قتال و درددری ها و هزاران بدبختی های دیگر نه تنها در کشور ما افغانستان بلکه در اکثر نقاط دیگر جهان گسترش داده شد. طوری که ما شاهد اوضاع جهان هستیم امپریالیسم جنایتگستر امریکا از حملات و مداخلات نظامی در کشورهای آسیائی و افریقائی ... و در حال حاضر سوریه و اوکراین را نباید فراموش کرد، دریغ نمی ورزد. هیلری کلنتن در سیاستهای تجاوزکارانه و جنایتکارانه امریکا به خصوص در رابطه با افغانستان مستقیم دخیل است، طوری که خود اظهار می نماید:

"من کار هائی را که انجام دادم، افتخار می کنم". حملات نظامی و جنگهائی را که امپریالیسم امریکا و امپریالیسم ناتوئی در جهان به راه انداختند که به خصوص نمونه های چون لیبیا و سوریه و ایجاد داعش که همه زیر نظر شخص کلنتن صورت گرفت، باعث کشته شدن میلیونها انسان شده و می شود. قسمی که قبلاً هم تذکر دادم بیشترین قربانیان این

حملات و جنگها زنان و اطفال هستند. طبق ادعای خانم کلنتن وی می‌خواهد که درجهت اعاده حقوق انسان به خصوص حقوق زنان و اطفال، کار کند. در اینجا است که فریبکارانه می‌خواهد هویت مادرانه و زنانه خود را بروز دهد. این هم یکی از دروغها و حیلۀ های امپریالیستی است.

اوسولا فن دلاین عضو سی دی او و مادر هفت فرزند است. وی از مدتی بدینسو به حیث وزیر دفاع المان ایفای وظیفه می‌نماید. فن دلاین اولین زنی است در المان که رهبری قوای نظامی را به عهده گرفته و آنهم در شرایطی که امپریالیسم المان به احیای مجدد افکار فاشیستی، توسعه طلبانه و اشغالگرانه در بین زمامداران المان می‌پردازد. فن دلاین که یکی از حامیان چنین افکاری است حاضر شد تا امیال امپریالیستی را در جهان جامه عمل بپوشاند. وظایفی را که فن دلاین موظف به انجام آن است، تدابیر تجهیزات نظامی و جنگی، آماده ساختن قوای نظامی، فرستادن آنها جهت اشغال و توسعه و اعمال منافع امپریالیستی در ممالک مدنظر و صدور اوامر حملات هوایی و زمینی که نتیجه آن کشت و کشتار و قتل و قتال و غرق نمودن خلق های آن در منجلاب هزاران بدبختی اسارتبار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسل اندر نسل است، می‌باشد.

از این نوشته نباید طوری برداشت شود که من علیه فعالیت های زنان در عرصه سیاسی هستم. هرگز چنین مباد! زنان امروز مسؤولیت بس عظیمی را در قبال اوضاع جهان دارند و باید وارد عرصه سیاسی و مبارزاتی گردند. سیاست در راه محو نظامها و روابط استثمارگرانه، سیاست علیه فجایع و جنایات گوناگون سیستم غیر انسانی یعنی سیستم سرمایه داری نه این که سیاست در تطبیق فجایع و جنایات گوناگون، در دزدی و غارتگری و مکیدن خون توده های به زنجیر کشیده آن، همکاری دولت های استعماری و....

مرگ چیز است که هیچ کسی را یارای فرار از آن نیست، مگر افرادی از قماش اناهیتهای، گلدامایرها، تاجرها و ... سزاوار آنند تا در محاکمی از طرف زنان آگاه، رزمنده و مادرانی که فرزندان شان را چنین عفریته هائی به خاک و خون کشیده اند، به جرم جنایاتی که به نام زن، اما در خدمت فرهنگ مرد سالار انجام داده اند، محاکمه و به مجازات برسند.

زنان رزمنده و آگاه امروز وظیفه دارند، با مبارزه علیه موجودیت طبقات و جوامع طبقاتی، ضمن نجات تمام بشریت، جنس زن به خصوص آن زنهایی را که اسیر و برده فرهنگ مردسالار گردیده و به مانند گلا دیاتوران جدید، خون فرزندان مادران دیگری را می‌ریزند، نیز نجات بدهد.

برده زنانی از قماش اناهیتهای، گدامایر، تاجر، مرکل و امثال آنها، به علاوه آن که از لحاظ انسانی، جلا و خونریز اند، از موضع یک زن نیز، ننگ جنس زن می‌باشند.